

The Role of Symbolic Power in the Foreign Relations of Turkey and Central Asia

Majid Ostovar¹

Seyed Mehdi Moradi²

Mojtaba Ostovar³

The Central Asian region is one of the areas that, after the collapse of the Soviet Union, has been competing and influenced by regional powers, especially Turkey. Over the past two decades, Turkey has begun a massive effort to strengthen its Central Asian region through its cultural, social and economic ties.

Accordingly, this article, considering the role of economic, social, cultural and symbolic capital in consolidating power, focuses on the use of symbols by Turkish political elites in expanding foreign relations with Central Asia.

The question for the authors of this article is how have Turkey's political elites managed to consolidate their symbolic power over the Central Asian region?

To answer this question, we used Pierre Bourdieu, a French sociologist's theory of symbolic language and power, and suggested the theoretical basis of the paper on this basis.

The hypothesis of the article is that the political elites of Turkey used their cultural, economic, social and symbolic capital to increase their influence in Central Asia.

Therefore, the recognition of symbolic power and its application in Turkish foreign policy since 2002 in Central Asia is the main objective of this paper.

The research findings show that Turkey is seeking to expand its influence in the Central Asian region with its economic, social, cultural and symbolic capital.

In this paper, a qualitative research method has been used and the method of data collection has been done by documentary method.

Keywords: Symbols, Symbolic Power, Political Elite, Turkey, Central Asia.

1. Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Rasht Branch, Rasht, Iran (Corresponding Author), ostovar@iaurasht.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Rasht Branch, Rasht, Iran.

3. Ph.D Graduated of International Relations, Educational Instructor, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

نقش قدرت نمادین در روابط خارجی ترکیه و آسیای مرکزی

مجید استوار*

سیدمهدی مرادی**، مجتبی استوار***

چکیده

آسیای مرکزی از مناطقی است که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی محل رقابت و نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای به‌خصوص ترکیه قرار گرفت. طی دو دهه اخیر، ترکیه با استفاده از روابط فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی تلاش گسترده‌ای را برای نهادینه کردن قدرت خود در این منطقه آغاز کرده است. پرسش نویسندگان مقاله این است که نخبگان سیاسی ترکیه چگونه به تحکیم قدرت نمادین در آسیای مرکزی موفق شده‌اند؟ به‌منظور پاسخ به این پرسش از نظریه پیر بوردیو، جامعه‌شناس فرانسوی، درباره زبان و قدرت نمادین بهره می‌گیریم و چهارچوب نظری مقاله را بر این اساس استوار می‌کنیم. فرضیه مقاله این است که نخبگان سیاسی ترکیه با بهره‌گیری از سرمایه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، و نمادین با ارائه چهره‌ای نمادین از قدرت به افزایش حوزه نفوذ خود در میدان سیاسی آسیای مرکزی مبادرت کردند. از این رو، شناخت ماهیت قدرت نمادین و به‌کارگیری آن در سیاست خارجی ترکیه از سال ۲۰۰۲ میلادی در آسیای مرکزی هدف اصلی مقاله حاضر است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ترکیه با اتکا بر سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و نمادین درصدد گسترش حوزه نفوذ خود در منطقه است. در این مقاله از روش تحقیق کیفی استفاده شده و شیوه گردآوری اطلاعات اسنادی (کتابخانه‌ای) است.

* استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت، رشت، ایران (نویسنده مسئول)، ostovar@iaurasht.ac.ir

** استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت، رشت، ایران.

*** دکترای روابط بین‌الملل، مربی آموزشی دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۲۴

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

کلیدواژه‌ها: نمادها، قدرت نمادین، نخبگان سیاسی، ترکیه، آسیای مرکزی.

۱. مقدمه

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و نظام دوقطبی، تحولات نوینی در نظام بین‌الملل رخ داد و مجموعه‌ای جدید از بازیگران نوظهور را به میدان سیاسی بین‌المللی وارد کرد. ترکیه یکی از این بازیگران جدید بود که روند قدرت‌مند شدن آن طی دو دهه اخیر توجه بسیاری از تحلیل‌گران بین‌المللی را به خود جلب کرده است. رشد مداوم اقتصادی در اوج بحران‌های اقتصادی اروپا، افزایش اعتبار بین‌المللی، تقویت رقابت‌های انتخاباتی، و تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای از مهم‌ترین علل علاقه‌مندی پژوهش‌گران سیاست بین‌الملل به ترکیه جدید بوده است.

آسیای مرکزی از مهم‌ترین مناطقی است که ترکیه طی دو دهه اخیر با طراحی سیاست خارجی جدید خود به دنبال توسعه روابط همه‌جانبه فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی با آن است. به لحاظ تاریخی و جغرافیایی، پنج جمهوری ترک‌زبان و مسلمان آذربایجان، ازبکستان، ترکمنستان، قزاقستان، و قرقیزستان در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز پیوندی تاریخی با ترکیه دارند. زبان مشترک، آیین‌ها و رسوم مشترک، و نیاز اقتصادی منطقه به جذب سرمایه‌گذاری خارجی سبب شد که اهمیت روابط ترکیه با این کشورها ابعادی نمادین به خود بگیرد. با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ در میدان سیاسی ترکیه، سیاست داخلی و خارجی این کشور به تدریج تغییر کرد. محوریت اوراسیا در مبانی فکری دولت مردان جدید تأثیرات عمیقی در سیاست خارجی ترکیه گذاشت. ترکیه با تمرکز بر ابعاد نمادین قدرت و تضعیف دخالت نظامیان در سیاست تلاش کرد تا تسلط خود را در داخل و کشورهای آسیای مرکزی تثبیت کند. پرسش نویسندگان مقاله این است که نخبگان سیاسی ترکیه چگونه توانسته‌اند قدرت نمادین خود بر آسیای مرکزی را تحکیم کنند؟ پاسخ به این پرسش با فرضیه مقاله این است که نخبگان سیاسی ترکیه با بهره‌گیری از سرمایه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، و نمادین با ارائه چهره‌ای نمادین از قدرت حوزه نفوذ خود در میدان سیاسی آسیای مرکزی را افزایش دادند.

از این رو، شناخت ماهیت این قدرت و به‌کارگیری آن در سیاست خارجی ترکیه از سال ۲۰۰۲ به بعد بسیار حائز اهمیت است. بر این مبنا، با اتکا بر چهارچوب نظری پیر بوردیو (Pierre Bourdieu) درباره هابیتوس (منش یا ساختمان ذهنی) و نقش چهار سرمایه فرهنگی،

اجتماعی، اقتصادی، و نمادین بازیگران سیاسی در میدان‌های سیاسی و شکل‌گیری قدرت نمادین تلاش می‌کنیم بر کاربست آن از سوی ترکیه در منطقه آسیای مرکزی متمرکز شویم و از این رهگذر فرضیه مقاله را بررسی کنیم.

۱.۱ روش پژوهش

روش تحقیق این مقاله کیفی و شیوه گردآوری اطلاعات اسنادی (کتاب‌خانه‌ای) است. بنابراین تلاش کردیم که با جمع‌آوری و تحلیل اسناد و مدارک مربوط به روابط ترکیه و آسیای مرکزی، فرضیه خود را ثابت کنیم. از آن‌جاکه بحث و بررسی نمادها و قدرت نمادین در چهارچوب مکتب تعامل‌گرایی نمادین (symbolic interactionism) از جامعه‌شناسی نشئت می‌گیرد، در اجرای این پژوهش در حوزه روابط بین‌الملل با اتکا بر روش تحلیل کیفی سعی کردیم نمادهای تأثیرگذار سیاست خارجی ترکیه در آسیای مرکزی، برنامه‌ها، و سیاست‌های رسمی و تدوین شده را واکاوی کنیم.

۲.۱ پیشینه پژوهش

پژوهش‌های روابط خارجی ترکیه و آسیای مرکزی از دو منظر تأثیرگذاری ترکیه در این منطقه را بررسی کرده‌اند. از یک‌سو، بخشی از این پژوهش‌ها با تمرکز بر عوامل مادی به جایگاه اقتصادی و استراتژیک ترکیه در آسیای مرکزی اشاره کرده‌اند. مطالعات Sheel K. Asopa (2008) و Bulent Aras (2001) نیاز ترکیه به منابع انرژی و اقتصادی آسیای مرکزی و تغییر کارکرد دولت ترکیه در سیاست بین‌الملل را بررسی می‌کنند. زیبگنیف برژینسکی در کتاب چشم‌انداز استراتژیک آمریکا و بحران قدرت جهانی (۱۳۹۲)، ضمن بررسی احتمال افول قدرت آمریکا در آینده، نقش مناطق ژئوپلتیک اوراسیا و بی‌ثباتی کشورهای اوراسیا در آینده را به بحث می‌گذارد. احمد داود اوغلو در عمق راه‌بردی: موقعیت ترکیه در صحنه بین‌المللی (۱۳۹۱) استراتژی‌های آینده ترکیه و حزب عدالت و توسعه در مناطق گوناگون را ترسیم کرده است و به آسیای مرکزی، در جایگاه منطقه‌ای استراتژیک در سیاست خارجی و اقتصادی ترکیه، توجه می‌کند. در مقابل عباسقلی عسگریان در بررسی تحلیلی چالش‌های روند منطقه‌ای‌سازی آسیای مرکزی (۱۳۹۴)، به عوامل و موانع سیاسی، امنیتی، اقتصادی، و فرهنگی درون‌منطقه‌ای و دخالت بازیگران فرامنطقه‌ای در ناکامی منطقه‌گرایی بازیگران سیاسی در آسیای مرکزی اشاره می‌کند.

از سوی دیگر، نقطه عزیمت پاره‌ای دیگر از این پژوهش‌ها بر تأثیر عوامل غیرمادی فرهنگی، زبانی، و ایدئولوژیکی ترکیه در آسیای مرکزی متمرکز شده است. امیلیان کوالسکی در سلسله‌مقالاتی (۱۳۹۵) درباره وضعیت روابط ترکیه و آسیای مرکزی از منظر تعاملات هویتی، زبانی، و اقتصادی در منطقه بحث می‌کند. هلن رز ایباو در کتاب جنبش مدنی گولن (۱۳۹۵) ابعاد جنبش فتح‌الله گلن در تأسیس جامعه دینی و نوگرای ترکیه را توصیف و با تحلیلی جامعه‌شناختی جامعه ترکیه را واکاوی می‌کند. مهناز گودرزی و فرشته معبودی‌نژاد در مقاله قدرت نرم در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی (۱۳۹۵) و حمید احمدی در ترکیه، پان‌ترکیسم و آسیای مرکزی (۱۳۸۸)، نیز با طرح ایده‌های فرهنگی، هویتی، و ایدئولوژیک‌ساز به سیاست‌ورزی حزب عدالت و توسعه و قدرت نرم ترکیه بر آسیای مرکزی متمرکز شده‌اند.

همه نویسندگان این آثار تلاش کرده‌اند قدرت هژمونیک ترکیه را با تمرکز بر ابعاد سلطه اقتصادی و ایدئولوژیک آن بر آسیای مرکزی موردتوجه قرار دهند. اما هیچ‌یک به نقش نمادها و قدرت نمادین در روابط خارجی ترکیه و آسیای مرکزی توجه نکرده‌اند. مسئله‌ای که طی دو دهه اخیر به عاملی ماندگار در اذهان ملت‌ها در ایجاد و پذیرش سلطه نمادین در روابط خارجی دولت‌ها تبدیل شده است. این پژوهش می‌کوشد این ابعاد مغفول را با بررسی نقش قدرت نمادین در روابط خارجی ترکیه و آسیای مرکزی واکاوی کند؛ موضوعی که در مطالعات پیشین به آن توجه نشده است. بررسی ابعاد نمادین قدرت ترکیه در آسیای مرکزی از نوآوری‌های این پژوهش است.

۳.۱ چهارچوب نظری

۱.۳.۱ نماد (symbol)

غریب‌ترین و عجیب‌ترین اسطوره‌ها بیان‌گر نیاز بشر به وجه فردی یا اجتماعی حیات است که طی تاریخ در قالب «نماد» خود را نشان می‌دهد. امیل دورکیم با عنوان «توتم» از این‌گونه نشان‌ها برای توصیف انسان از خود یاد می‌کند (دورکیم ۱۳۸۶: ۱۵۷) و بعضی دیگر مفهوم نماد را برای بیان جلوه‌های معنادار زندگی بشر به کار می‌برند. انسان‌ها با کاربرد نمادها مانند زبان درباره گذشته و پیش‌بینی آینده تأمل می‌کنند. نمادها با درهم‌شکستن مرزهای زمانی و مکانی سبب پیوند انسان‌ها می‌شود و جهان را از منظر دیگران می‌نگرد (ریتزر ۱۳۸۶: ۳۱۶).

نگاهی اجمالی به جهان امروز ما را با جهانی سرشار از نمادهایی مواجه می‌کند که ساختارهای به‌ظاهر عقلانی را در قالب نمادین برای انسان‌ها معنی می‌کند. اندیشهٔ نمادسازی با تکیه بر رسانه‌های دیداری و شنیداری به‌سرعت در حال توسعه است. چهره‌های بازیگران، فوتبالیست‌ها، سیاست‌مداران، و غیره از سوی بنگاه‌های تبلیغاتی و شبکه‌های تصویری با هاله‌ای از تقدس و نمادین برای جامعه بازنمایی می‌شود. این مسئله جامعه‌شناسان را با این موضوع مواجه کرده است که عموماً انسان‌ها اسیر ایماژهای خودساخته‌اند و در دنیای ایماژینر زندگی می‌کنند.

وابستگی به نمادها، آیین‌ها، و نشان‌ها نمونه‌ای از زندگی در دنیای ایماژینر است. بنابراین آرم‌ها، پرچم‌ها، توت‌ها، یونیفرم‌ها، آرایش و مدل موها، نام‌ها و القاب، مُد و لباس، آداب معاشرت، تغذیه، فاصله‌ها، مذهب، و بسیاری دیگر از این موارد نمادهای خودساختهٔ بشر برای استمرار زندگی اجتماعی در جهان امروز است.

نتیجه این که نمادها سازندهٔ جامعه‌اند و به‌تعبیر یونگ شکل‌گیری و تولد آرام نمادها به توسعهٔ اندیشه‌ها و رفتارهای فرهنگی در جوامع کمک می‌کند. برای نمونه، در زندگی قبیله‌ای اشیای بت‌گونه تقدس دارند، سپس با توت‌ها به مرحلهٔ پیشرفته‌تری از شکل‌گیری نمادها می‌رسیم. توت‌ها به اندیشهٔ جامعهٔ سازمان‌یافتهٔ بشر اشاره دارد. نتیجه آن که جامعه در عمل نمایش و تحقق کامل نمادهایش را شروع می‌کند، بنابراین نمادها عوامل سازندهٔ جوامع‌اند. به‌طور کلی، نمادپردازی به توسعهٔ فرهنگی جوامع و خودآگاهی بشریت کمکی انکارناپذیر کرده است (اوداینیک ۱۳۷۹: ۲۱-۲۳).

بر همین اساس، توجه به امر نمادین و ایجاد سلطهٔ نمادی درکنار سلطهٔ فیزیکی اهمیت بسیاری دارد و دولت‌ها درکنار ابزارهای سخت قدرت درصددند که ابزارهای نرم قدرت را به‌منظور تداوم سلطه و مشروعیت بر ملت‌ها به‌کار گیرند. قدرت‌های بزرگ در تلاش برای تسلط بر ملت‌ها از نمادها بهرهٔ فراوان می‌برند. بهره‌گیری از هنر چون موسیقی، ادبیات، تئاتر، و سینما درکنار تولید دانش و تکنولوژی به ابزارهای سلطهٔ نمادین این دولت‌ها در جهان حاضر تبدیل شده است. بنابراین در دوران مدرن سلطهٔ نمادین به وجه اصلی اعمال قدرت تبدیل شده است و دولت‌ها از این طریق حوزهٔ نفوذ خود را گسترش می‌دهند.

۲.۳.۱ قدرت نمادین (symbolic power)

مفهوم قدرت از دیرباز مورد توجه نویسندگان و محققان روابط بین‌الملل بوده است. در قرون وسطی منبع قدرت از خدا ناشی می‌شد و اتباع با اطاعت از رهبران این جهانی از

خداوند اطاعت می‌کردند. در معنای سنتی، قدرت به‌کارگیری زور و اعمال سلطه فیزیکی درک می‌شد و در دوران جدید قدرت را برحسب درک آن تمییز می‌دهند و جزوی از منش انسان‌هاست که در ارتباط آن‌ها با دیگران اعمال می‌شود و با سلطه و اعمال سلطه پیوند دارد (های ۱۳۸۵: ۲۷۸).

بر این مبنای، جهان غرب در قرن بیست‌ویکم با تکیه بر این قدرت نرم در فرهنگ غربی را مشروع کرده و از آن فرهنگی جهانی ساخته است. امروزه غرب با رسانه، مد، مک‌دونالد و هالیوود، و دموکراسی سرمایه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی لازم برای همه کشورها را تأمین می‌کند و با تحت‌تأثیر قراردادن سبک زندگی، انتظارات سیاسی و اجتماعی جدیدی را در کشورهای در حال توسعه ایجاد می‌کند. بنابراین از منظر جامعه‌شناسی سیاسی کارکرد قدرت از منازعات سیاسی و اجتماعی درون جامعه نشئت می‌گیرد و موضوع سلطه نمادین را در کانون توجه قرار می‌دهد.

طی چند دهه اخیر ماهیت قدرت تحولاتی بنیادین یافته و ابعاد فرارنظامی پیدا کرده است. پس از جنگ سرد تئوری‌های سخت‌افزاری قدرت به تئوری‌های نرم و نمادین تغییر یافت. در ابتدای دهه ۱۹۹۰، جوزف نای (Joseph Nye) از قدرت نرم سخن گفت و پیر بردیو از قدرت نمادین. در متون سیاست خارجی بیش‌ترین مباحث به قدرت نرم و تأثیرات آن در روابط کشورها اختصاص دارد و کم‌تر به کاربست قدرت نمادین در سیاست خارجی کشورها توجه شده است. مفهوم قدرت نمادین به‌طور اخص به پیر بردیو متعلق است. وی با بهره‌گیری از داده‌های قوم‌نگارانه نشان می‌دهد که قدرت امری انعطاف‌پذیر است و براساس ساختارهای متفاوت هر جامعه کاربردی منحصر به فرد دارد. از نظر پیر بردیو، قدرت دولت به قدرت فیزیکی منحصر نیست و دولت گروهی است که در سرزمین معینی انحصار خشونت سمبولیک را به خود منحصر می‌داند. از نظر وی، عرصه نمادین این نظم را مشروع می‌کند و این به معنای هم‌سوسازی ساختارهای ذهنی با ساختارهای اجتماعی است. از نظر وی، قدرت نمادین قدرتی است که با بیان نحوه دیدن و باورکردن جهان هستی را شکل می‌دهد و نحوه کنش در جهان نیز از این طریق تنظیم می‌شود و این قدرتی است که معادل و حتی بیش‌تر از قدرت فیزیکی اهمیت دارد.

از نگاه پیر بردیو، ارتباطات مشروع به‌طور دائمی ارتباطات قدرت نمادین اندیشه‌هاست که میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان آن اندیشه در جریان است و هر تبادل زبان‌شناختی بالقوه شامل نقشی از قدرت است. بنابراین قدرت نمادین در سراسر جهان در قالب ایفای نقش و عملکرد در مشروعیت کلمات و به‌کاربرندگان آن قدرت جلوه

می‌یابد (Bourdieu and Wacquant 1992: 142-148). بوردیو میدان را صحنه نبرد در نظر می‌گیرد و معتقد است که میدان بازاری رقابتی است که در آن انواع سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و نمادین جریان دارد و میدان قدرت و سیاست و سلسله‌مراتب قدرت مهم‌ترین میدان تعیین‌کننده ساختار همه میدان‌هاست. وی در تحلیل میدان‌ها سه مرحله را مطرح می‌کند. در نخستین مرحله، که شناخت رابطه میدان‌های دیگر با میدان سیاسی است، تلاش می‌شود برتری میدان قدرت منعکس شود. دومین مرحله ترسیم ساختار عینی روابط میان جایگاه‌های درون میدان است. در مرحله سوم، می‌بایست ماهیت ساختمان ذهنی عواملی که انواع جایگاه‌های درون میدان را اشغال می‌کنند مشخص کرد. قدرت و جایگاه این عوامل درون میدان به سرمایه‌ای بستگی دارد که این عوامل در اختیار دارند (ریترز ۱۳۸۶: ۷۲۲).

بنابراین بوردیو با تأکید بر هابیتوس (منش یا ساختمان ذهنی) و معرفی چهار سرمایه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، و نمادین بر اهمیت بازیگران در میدان‌های سیاسی و شکل‌گیری قدرت نمادین تأکید می‌کند.

- **هابیتوس (ساختمان ذهنی):** فرهنگ فردی و ساخت‌پذیر افراد در بستر تاریخی است که میدان قدرت را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. رفتارهای برآمده از خصلت به‌مرور ساخت‌پذیر می‌شوند و در نهایت خاصیت ساخت‌بخشی می‌یابند. بنابراین عملکرد بازیگران سیاسی داخلی و بین‌المللی حاصل خصلت‌ها از یک سو و الزامات ساختارها و میدان‌های سیاسی و اجتماعی از سوی دیگر است.

- **سرمایه فرهنگی:** دانش مشروعی است که به مالکان این سرمایه در مناسبات اجتماعی و سیاسی تمایزی بی‌بدیل می‌بخشد.

- **سرمایه اقتصادی:** به مجموعه‌ای از دارایی افراد اطلاق می‌شود که کنش‌گر با اتکا به این سرمایه از امکان مالی بالایی در جهت ساخت‌بخشی در جامعه برخوردار می‌شود.

- **سرمایه اجتماعی:** روابط اجتماعی ارزش‌مند و قدرت‌آفرین بازیگران است (نقیب‌زاده و استوار ۱۳۹۱: ۲۸۳-۲۸۵).

- **سرمایه نمادین:** منزلت و جایگاه نمادینی است که بازیگران در اختیار دارند. «اشغال‌کنندگان جایگاه‌های درون میدان‌ها به صورت فردی یا جمعی به دنبال حفاظت از موقعیت‌ها و جایگاه‌هایشان هستند» (Bourdieu and Wacquant 1992: 101). از آن‌جاکه بخش زیادی از سیاست خارجی کشورها تحت تأثیر نخبگان سیاسی حاکم است، براساس روش شناختی بوردیو، شناخت ساختمان ذهنی، باورها، و عملکرد آنان اجتناب‌ناپذیر است.

بنابراین به منظور شناخت کارکرد قدرت نمادین به فهم ذهنیت نخبگان سیاسی ترکیه نیازمندیم. نخبگانی که با بهره‌گیری از سرمایه‌های زبانی، تاریخی، و اقتصادی و ارائه چهره‌ای نمادین از قدرت ترکیه به افزایش حوزه نفوذ این کشور در میدان سیاسی آسیای مرکزی مبادرت کردند.

۴.۱ ساختمان ذهنی نخبگان سیاسی

نخبگان مهم‌ترین و اصلی‌ترین نیروهای اجتماعی هر جامعه‌اند که توان تغییر اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی و پیشرفت جامعه را دارند. از این میان، نخبگان سیاسی مهم‌ترین گروه‌اند که در تعیین مسیر توسعه اقتصادی و اجتماعی بسیاری از کشورها تأثیرگذارند (باتامور ۱۳۹۲: ۱۲۰). از آن‌جاکه مسئله اصلی این مقاله چگونگی شکل‌گیری ترکیه نوین و تأثیرگذاری آن در آسیای مرکزی است، مفهوم نخبگان سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین شناخت ساختمان ذهنی (هابیتوس) نخبگان سیاسی مهم‌تر از نهادهای سیاسی و ساختارهای رسمی این کشورها در فرایند توسعه است.

سیاست داخلی و خارجی ترکیه نیز بیرون از دایره ذهنیت نخبگان سیاسی آن کشور نیست. تا زمانی که دگرگونی‌های هویت و منفعت در ترکیه درک نشود، نقش این کشور در آسیای مرکزی و دیگر نقاط دنیا فهم‌شدنی نخواهد بود. رویدادهای بیرونی و دگردیسی ذاتی سیاست‌ورزی نخبگان در شکل‌گیری این هویت تأثیرگذار بوده است. هویت ملی ترکیه تحت تأثیر سه لایه فرهنگی دین، قومیت، و فراملیت اسلامی، ترکی، و اروپایی بوده است. بر همین مبنا، ترکیه از دین، زبان، و سایر عناصر فرهنگی به منظور کسب منافع خود در مناطق بیرونی بهره می‌گیرد (هاکان یاووز ۱۳۹۱: ۳۳۲). سیاست‌ورزی نخبگان سیاسی ترکیه در یک قرن اخیر تحت تأثیر این هویت ملی حداقل سه دوره تاریخ‌ساز را تجربه کرده است. دوره کمالیست‌ها، اوزال، و اردوغان. در این سه دوره، طبق رویدادهای بیرونی و دگردیسی‌ای که در نخبگان ترکیه پدید آمد، این کشور به یکی از مهم‌ترین بازیگران سیاسی و اقتصادی در سیاست بین‌الملل تبدیل شد. در ادامه، به منظور بررسی ذهنیت نخبگان سیاسی، صرفاً دوره تسلط حزب عدالت و توسعه با محوریت رجب طیب اردوغان را بررسی می‌کنیم.

اصلاحات اقتصادی دوره تورگوت اوزال بعد از دهه ۱۹۸۰، زمینه را برای قدرت‌یابی بخش خصوصی و حاشیه‌نشینی نسبی پاره‌ای از نخبگان سیاسی دولت‌گرا فراهم کرد. وی

تمام موانع خصوصی‌سازی ترکیه را برطرف و زمینه رشد سرمایه‌داری جدید را فراهم کرد. در دوره اوزال دیوان‌سالاران نظامی و غیرنظامی دچار زوال شدند و به واسطه خلق فرصت‌های جدید اقتصادی، سیاسی، و ارتباطی، ساختار طبقاتی و پیوندهای سیاسی سکولار را در ترکیه نهادینه کردند (همان: ۴۴). اوزال تلاش کرد با صورت‌بندی ساختار جدید دولت منطبق با موقعیت بین‌المللی، از یک سو جریان‌ات ملی‌گرایی را از طریق ایجاد هماهنگی میان غرب‌گرایی و سنت‌گرایی در ترکیه کنترل و از سوی دیگر راه‌برد تطبیق با اروپا و آمریکا را تثبیت کند. در واقع تلاش‌های وی بستر لازم برای پیوستگی تاریخی ترکیه در میان جریان‌ات سیاسی را ایجاد کرد و خط نوع‌ثمانی‌گرایی وی درون خود جنبش‌های عثمانی‌گرایی، اسلام‌گرایی، غرب‌گرایی، و ترک‌گرایی را تداوم بخشید (داود اوغلو ۱۳۹۱: ۹۴-۹۶).

فروپاشی شوروی فرصت خوبی را در اختیار میراث‌کمالیست‌ها و اسلام‌گرایان ترکیه قرار داد تا ناخودآگاه تاریخی ترکان را در نزدیکی به آسیای مرکزی بیدار کنند. هویت مشترک ترکی را که کمالیست‌ها بدون پیوند به روابط خارجی تداوم بخشیده بودند اکنون به اولویت مهم سیاست خارجی تبدیل شده بود (کاوالسکی ۱۳۹۵: ۱۶۹). همین سیاست‌گذاری‌ها جایگاهی جدید را برای ترکیه در آستانه سال‌های ۲۰۰۰ به بعد فراهم کرد. در واقع، تلفیق شرق و غرب و تبیین جایگاه ترکیه در جهان غرب نتیجه سیاست‌های نوع‌ثمانی‌گرایی تورگوت اوزال بود.

بعد از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲، این حزب از سیاست خارجی به مثابه ابزاری به منظور دوری از اتهام اسلام‌گرایی افراطی و تحکیم مشروعیت درونی و بیرونی بهره برد. نخبگان سیاسی جدید نخبگان سیاسی کمالیست را رقیب سیاسی خود تلقی می‌کردند و با درپیش گرفتن سیاستی عمل‌گرایانه سیاست خارجی ترکیه را هم‌زمان با نگاه به غرب و منطقه آسیای مرکزی و خاورمیانه مورد ملاحظه قرار دادند.

ترکیب گفتمان‌های متعدد داخلی نظیر اسلام‌گرایی، ملی‌گرایی، و سکولار از سوی نخبگان جدید، جامعه ترکیه را به نقطه تعادل و هم‌زیستی دموکراتیک نزدیک کرد و توجه به نوع‌ثمانی‌گرایی و عمق استراتژیک ترکیه بیش از همیشه مورد تأکید سیاست‌گذاران جدید قرار گرفت.

از نظر احمد داود اوغلو، از معماران اصلی سیاست خارجی جدید ترکیه،

ترکیه فقط و فقط در صورتی که بتواند ذخیره غنی تاریخی و امکانات سیاست جغرافیایی و اقتصاد جغرافیایی خود را با نوسازی سیاسی داخلی مؤثر و متناسب پیوند بزند، این امکان را خواهد داشت که موقعیت بین‌المللی خود را در قرن آینده تقویت کند و حوزه‌های تأثیر و نفوذ خود را شکل دهد (داود اوغلو ۱۳۹۱: ۸۹).

رجب طیب اردوغان، رهبر حزب عدالت و توسعه، با استفاده از بسترهای ساخت‌یافته در دولت‌های پیشین، اصلاحات اقتصادی و سیاسی وسیعی را در سیاست خارجی ترکیه بنیاد نهاد. اصلاحات اقتصادی و سیاسی داخل مانند حذف لیر قدیم، کاستن از قدرت نظامیان، اصلاح قانون اساسی، و گسترش روابط تجاری و اقتصادی با اتحادیه اروپا از تحولات جدید در ترکیه خبر می‌داد. ترکیه جدید با رهبری حزب عدالت و توسعه ترکیبی از میراث عثمانی، رسالت اجتماعی، و آرمان کمالیستی اروپایی شدن است. این حزب به آینده‌ای می‌اندیشد که ترکیه را هم‌زمان اروپایی و مسلمان نگاه دارد (هاکان یاووز ۱۳۹۱: ۲۳۰).

ترکیه امروزی با بهره‌گیری از میراث تاریخی و ارائه چهره‌ای نمادین از خود در منطقه و عرصه بین‌الملل و ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی و توریستی در کنار نظام چندحزبی و پارلمانی موفق شده است به رشد اقتصادی و توسعه متوازن دست یابد (نوریان ۱۳۹۳: ۱۵۱). رشد مثبت اقتصادی، تغییر قانون اساسی، کنار گذاشتن کامل ارتش در سپهر سیاسی، و افزایش اختیارات رئیس‌جمهور میراث بزرگی بود که اردوغان با تلاش و هزینه‌های بسیاری آن را عملی کرد. در نتیجه، ساختمان ذهنی نخبگان سیاسی ترکیه بر مبنای قدرت‌یابی ترکیه در مناطقی نظیر خاورمیانه و آسیای مرکزی و گسترش میدان نفوذ در این مناطق تبیین می‌شود.

۵.۱ سرمایه‌های تأثیرگذار در تحکیم سلطه ترکیه بر آسیای مرکزی

در دوره حاکمیت شوروی بر آسیای مرکزی، ساختار اقتصادی و اجتماعی این منطقه تک‌محصولی و وابسته بود و مناسبات اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی ضعف‌های جدی داشت. در سال‌های پس از استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی از شوروی، اوضاع اقتصادی این کشورها آن‌چنان آشفته بود که نیکلاشیمولیف، اقتصاددان شوروی، معتقد بود که این کشورها بدون کمک‌های بلاعوض اقتصادی دوام نخواهند داشت (شهابی ۱۳۷۱: ۱۲۵). نظام برنامه‌ریزی به‌شدت متمرکز اقتصادی شوروی این کشورها را از نوآوری بازداشته بود و اقتصاد آن‌ها را بر اساس نظریه مارکسیستی وابستگی به هم متصل کرد و هرکدام از این کشورها در یک زمینه کشاورزی توسعه یافتند و در زمینه توسعه صنعتی وضعیت تأسف‌باری داشتند.

از نظر دیدگاهی کلاسیک، سیاست خارجی ترکیه تحت تأثیر سه متغیر جغرافیا و موقعیت استراتژیک، تاریخ، و اقتصاد است و ترک‌ها به لحاظ منطقه‌ای پُلی میان شرق و غرب یا اسلام و مسیحیت‌اند (گوهری مقدم و مددلو ۱۳۹۵: ۱۳۱). بر این اساس، پس از فروپاشی شوروی، ترکیه با بهره‌گیری از قابلیت‌های بالقوه خود در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی برنامه وسیعی را به منظور نفوذ در کشورهای تازه استقلال‌یافته به‌ویژه ترک‌زبان آسیای مرکزی دنبال کرد. ترکیه درصدد بود به کانال اصلی ارتباط این کشورها با غرب تبدیل شود و قدرت نفوذ خود را در این منطقه تثبیت کند. ترکیه بر آن بود که از یک سو با ارائه شیوه حکمرانی دور از بنیادگرایی اسلامی به این کشورها، چهره‌ای نمادین از خود به نمایش بگذارد و از سوی دیگر از کمک‌های غرب بهره‌مند شود. ترکیه از سال ۱۹۹۲ به بعد در تلاش بود که این کشورها از کمک‌های نهادهای بین‌المللی نظیر سازمان ملل، سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو)، ناتو، و منطقه همکاری اقتصادی دریای سیاه برخوردار شوند و در صورت لزوم آن‌ها را در سازمان‌هایی مانند اگو عضو کند. ترکیه با برگزاری کنگره‌های سالانه رهبران کشورهای تازه استقلال‌یافته (به‌جز تاجیکستان) با طرح پیش‌نهادهایی درباره ایجاد «بازار مشترک ترک»، «بازار مشترک المنافع ترکی»، و تأسیس «بانک سرمایه‌گذاری واحد» و «بانک توسعه» برای آسیای مرکزی مسلمان درصدد برآمد زمینه‌های هم‌گرایی اقتصادی این کشورها با خود را فراهم کند (احمدی ۱۳۸۸: ۵).

نقش آفرینی اقتصادی در سیاست خارجی ترکیه از سال ۲۰۰۲، با معماری داود اوغلو، بر مبنای برقراری توازن میان شرق و غرب به‌جای نگاه غرب‌گرایانه استوار شده است. داود اوغلو عنصر انسانی را راه‌بردی‌ترین قدرت ترکیه معرفی می‌کند. وی توسعه راه‌بردی ترکیه را در گرو رابطه مشروعیت میان دولت عمیق با ملت عمیق می‌داند که توان شکل‌گیری قدرت غیرفیزیکی را دارد (داود اوغلو ۱۳۹۱: ۵۱-۵۲). در چهارچوب فکری داود اوغلو، ترکیه با اتکا بر عناصر تاریخی و نوظهور به دنبال کسب نفوذ اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی است. این کشور با همسایه‌های آسیای مرکزی رابطه‌ای تاریخی و فرهنگی دارد و بر مبنای همین پیشینه درصدد گسترش حوزه نفوذ خود در منطقه است. در ادامه بر اساس چهارچوب نظری مقاله به چهار سرمایه تأثیرگذار در تحکیم سلطه ترکیه بر آسیای مرکزی اشاره می‌کنیم.

۲. سرمایه اقتصادی ترکیه در آسیای مرکزی

امروزه توجه به ابعاد اقتصادی در روابط خارجی کشورها بیش از روابط امنیتی و سیاسی در سیاست خارجی حائز اهمیت است. از نظر بازیگران جدید سیاسی در ترکیه، تأثیر اقتصاد

در کاهش منازعات و تقویت روابط دوستانه بسیار اهمیت دارد. همانند تورگوت اوزال، اردوغان نیز معتقد بود فرصت‌های جهانی شدن و آزادسازی اقتصادی برای ترکیه اهمیت دارد و سبب شکل‌گیری سرمایه‌سبز (ببرهای آناتولی یا همان سرمایه اسلامی) در شهرهایی مانند قونیه و قیصریه و قدرت‌یابی اسلام‌گرایان می‌شود (قهرمانپور ۱۳۸۸: ۱۴۸).

در پی تحولات دو دهه گذشته، نیروهای اقتصادی فعالی پدیدار شدند که حاصل تلاش سال‌ها زحمت سیاست‌مداران است.

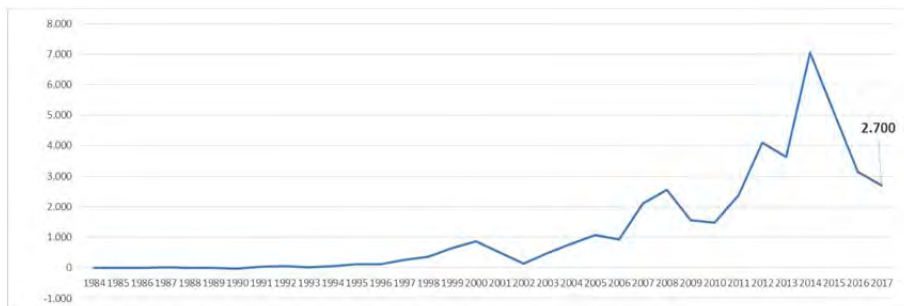
کتاب‌هایی نظیر ژئوپلیتیک جدید ترکیه: از بالکان تا غرب چین (Fuller and Lesser 1993) و ترکیه در سیاست خارجی جهانی: قدرت چندمنطقه‌ای در حال ظهور (Rubin and Kirisci 2001) همگی بر جایگاه ترکیه در مرکزیت مناطق مهم استراتژیک (شامل آسیای مرکزی) تأکید دارند و اغلب آن را اهرم حیاتی تأمین منافع غرب می‌دانند (کاوالسکی ۱۳۹۵: ۱۷۲).

طی سال‌های شکوفایی اقتصادی ترکیه، اروپا و آمریکا از این کشور در جایگاه نماد و الگوی توسعه برای دولت‌های آسیای مرکزی یاد می‌کردند. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ترکیه از ۱/۰۸۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ به ۱۰/۸۸۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ رسیده است. سیاست‌های ترکیه در جذب سرمایه خارجی سبب شده است حجم سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور به‌طور محسوسی افزایش یابد و از ۱۴/۶ میلیارد دلار طی سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۰۳ به ۱۹۳/۳ میلیارد دلار طی سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۰۳ برسد (www.ticaret.gov.tr 2018). هم‌چنین GDP ترکیه از ۲۳۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ به ۸۵۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ رسیده است (World Bank 2018).



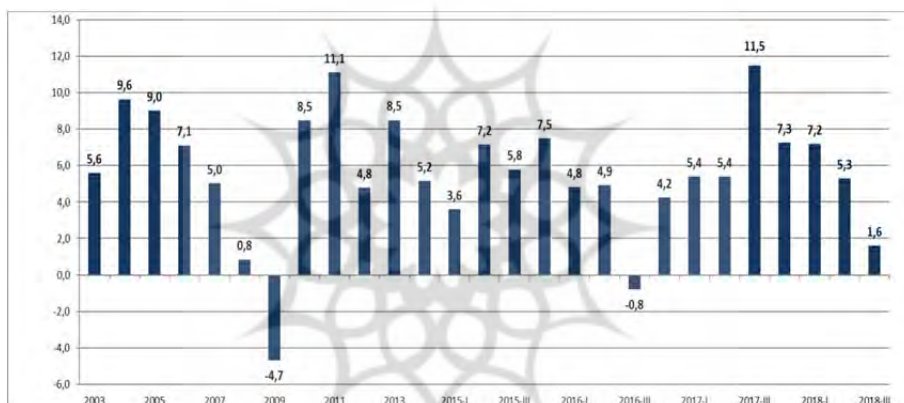
نمودار ۱. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) ترکیه

Source: Ministry of Trade 2018: 40



نمودار ۲. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شهروندان ترکیه
(Turkish Citizens' Direct Investments Abroad) در خارج از کشور

Source: Ministry of Trade 2018: 41



نمودار ۳. نرخ رشد اقتصادی (economic growth rates) ترکیه (۲۰۱۸-۲۰۰۳)

Source: Ministry of Trade 2018: 9

گرایش‌های بین‌المللی ترکیه خط‌مشی‌های اقتصادی کشور در سیاست خارجی و حرکت به سوی اقتصاد بازار را در دهه ۱۹۸۰ شکل داد و بستر حقوقی لازم را برای حضور شرکت‌های خصوصی خارجی در این کشور فراهم کرد. پیوند با غرب و تلاش در جهت عضویت این کشور در اتحادیه اروپا تأمین‌کننده نیازهای اقتصادی و سیاسی ترکیه بود و حتی به گسترش روابط اتحادیه اروپا با کشورهای خاورمیانه و آسیای مرکزی و قفقاز انجامید. ترکیه از این طریق هم نیازهای خود را تأمین می‌کرد و هم نقش جهانی‌تری به اتحادیه می‌بخشید. اکنون ترکیه ۱۵۷ نمایندگی بازرگانی خارجی و ۳ نمایندگی دائم خارج از کشور دارد (www.ticaret.gov.tr 2018).

درواقع، آسیای مرکزی فقط برای غرب مهم نبود، بلکه ترکیه نیز در تنظیم اقتصاد سیاست خارجی به آن نیاز داشت. پس از فروپاشی شوروی، این کشور سعی کرد برای حفظ جایگاه خود در ناتو، اهمیت خود را در آسیای مرکزی و قفقاز برای غرب یادآور شود و با توسعه روابط خود با این منطقه، خود را در جایگاه پل ارتباطی روابط ناتو و آسیای مرکزی معرفی کند. در نتیجه، از طریق گسترش روابط اقتصادی در زمینه‌های نفت و گاز و انجام پروژه‌های بزرگی نظیر خطوط لوله انتقال نفت و گاز حوزه دریای خزر از طریق ترکیه به دریای مدیترانه سهم درخور توجهی در این منطقه به دست آورد (صارمی شهاب ۱۳۸۸: ۲۱۱-۲۰۸). از نظر سیاست‌گذاران و نخبگان سیاسی ترکیه، توسعه ترکیه می‌تواند نمادی برای توسعه آسیای مرکزی باشد. هویت و زبان مشترک با چهار کشور ترک‌زبان آسیای مرکزی، دموکراسی اسلامی، سکولار، و اقتصاد بازار بدیل مناسبی برای جانشینی نفوذ شوروی در آسیای مرکزی بود (کاوالسکی ۱۳۹۵: ۱۷۶).

وزارت امور خارجه ترکیه از سال ۲۰۱۵ چهار هدف راهبرد انرژی را برای توسعه کشور مورد توجه قرار داد. براساس این راهبرد، تبدیل ترکیه به مسیر امن عبور خطوط انرژی، گسترش استفاده از انرژی‌های نو، مشارکت در تأمین امنیت انرژی اروپا، و حرکت به سوی خودکفایی در تأمین انرژی مدنظر سیاست‌گذاران ترک قرار گرفته است (<http://www.mfa.gov.tr>). پنج کشور حوزه آسیای مرکزی منابع و ذخایر ارزشمندی دارند که علاقه‌مندی ترکیه را به منظور نزدیکی بیش‌تر با آن‌ها برمی‌انگیزد. قزاقستان، ترکمنستان، و ازبکستان ذخایر طبیعی هیدروکربنی و آهن و قرقیزستان و تاجیکستان منابع هیدروژنی دارند. موقعیت جغرافیایی تاجیکستان و قرقیزستان نیز به گونه‌ای است که امکان کنترل جریان آب رودخانه‌های آسیای مرکزی یعنی آمودریا و سیردریا را در اختیار دارند و علاوه بر جاذبه‌های توریستی در هر دو کشور، قرقیزستان ذخایر طلا و تاجیکستان سنگ‌های گران‌قیمت دارد (عسگریان ۱۳۹۴: ۱۵۹-۱۶۰). قرقیزستان و تاجیکستان منابع عمده گاز و نفت ندارند، اما منابع سرشار آب دارند و حدود ۶۰ درصد آب آسیای مرکزی در تاجیکستان قرار دارد که با سرمایه‌گذاری لازم می‌توان از آن برق تولید کرد (متقی دستنایی ۱۳۹۵: ۶۶). بر مبنای آمار، حجم واردات ترکیه از قزاقستان در سال ۲۰۱۲ حدود ۳/۳ میلیارد دلار بوده است که عمدتاً نفت و گاز را شامل می‌شد (<https://www.economy.gov.tr>). هم‌چنین شرکت‌های ترکیه‌ای در سال ۲۰۱۴ طرح‌های سرمایه‌گذاری به ارزش ۱/۹ میلیارد دلار را در این کشور انجام داده‌اند و در سال ۲۰۱۵ این سرمایه‌گذاری را به ۲/۰۵ میلیارد دلار رسانده‌اند. حجم تجارت ترکیه با ازبکستان در سال ۲۰۱۵ به ۱/۲

میلیارد دلار رسید و حدود ۵۱۹ شرکت ترکی در این کشور فعال‌اند. شرکت‌ها و دفاتر اقتصادی ترکیه در زمینه‌های نساجی، مواد غذایی، داروسازی، ساخت‌وساز، و مدیریت هتل در این کشور فعالیت می‌کنند. ترکیه هفدهمین کشور سرمایه‌گذار قزاقستان با ایجاد پانزده‌هزار فرصت شغلی شناخته می‌شود. تأسیس شورای تجارت جهانی ترکیه (World Turkish Business Council/ DTIK) در سال ۲۰۰۸ به منظور هماهنگی‌های تجاری مشترک با کشورهای دیگر از دیگر اقدامات در جهت افزایش سرمایه اقتصادی ترکیه در آسیای مرکزی است. آذربایجان، قرقیزستان، و قزاقستان در سال ۲۰۱۱ در آنکارا به عضویت این شورا درآمدند (گودرزی و معبودی‌نژاد ۱۳۹۵: ۱۴۴-۱۴۶).

باتوجه به این که کشورهای منطقه آسیای مرکزی محدوده‌ای قفل شده در خشکی‌های بزرگ آسیا و اروپاست، این کشورها به کشورهایی مانند ایران و ترکیه نیاز مبرمی دارند تا ارتباطات و تجارت آزاد خود را توسعه دهند. به سبب تنش‌ها و تقابل‌های ایالات متحده آمریکا و ایران، مسیر ایران در جایگاه یکی از بهترین و به صرفه‌ترین مسیرهای دسترسی به بازارهای جهانی در حاشیه قرار گرفته و ترکیه جانشین ایران شده است (متمقی دستنابی ۱۳۹۵: ۶۸-۶۹). با احداث خط لوله انتقال نفت و گاز این منطقه از مسیر ترکیه، بیش‌ترین بهره نصیب ترکیه شده و موقعیت آن را در آسیای مرکزی تثبیت کرده است.

ترکیه با استفاده از موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیک خود و نقش آفرینی در انتقال انرژی به سایر نقاط دنیا، جایگاهی ممتاز و نمادین در روابط بین‌الملل پیدا کرده است و از این طریق هم نیازهای انرژی داخلی خود را تأمین می‌کند و هم کانون انتقال انرژی به اروپا شده است. در عمل نیز تجارت و توسعه از گرایش‌های دولت اردوغان در بازسازی و گسترش مناسبات با کشورهای همسایه و آسیای مرکزی است و این شیوه به منزله الگوی توسعه‌گرایانه ترکیه ابعادی نمادین برای دولت‌های آسیای مرکزی پیدا کرد و این دولت‌ها در ابتدای شکل‌گیری تاحدود زیادی از سرمایه اقتصادی ساخت‌یافته و روبه‌رشد ترکیه الهام گرفتند.

۱.۲ سرمایه فرهنگی ترکیه در آسیای مرکزی

پس از استقلال کشورهای آسیای مرکزی، ترکیه با استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای و کانال‌های متعدد تلویزیونی، روزنامه‌ها، و شبکه‌های اجتماعی تلاش‌های وسیعی را برای وحدت زبانی، آیینی، و خطی آغاز کرد. ترکیه با تأسیس مدارس و دانشگاه‌های جدید در این کشورها به دنبال جذب جوانان و دانشجویان آن‌ها، به منظور ساخت‌پذیری نسل آینده،

برنامه‌های بنیادینی را دنبال می‌کند. به‌ویژه آن‌که چهار جمهوری از میان پنج جمهوری آسیای مرکزی ترک‌زبان‌اند. از مهم‌ترین اقدامات فرهنگی ترکیه در این جمهوری‌ها اقدام در جهت تبدیل حروف روسی به لاتین است. برخی از این کشورها نظیر ترکمنستان، آذربایجان، ازبکستان، و قزاقستان همانند ترکیه حروف لاتین را به‌جای حروف روسی به‌کار بردند. ترکیه از طریق نهادهای آموزشی دولتی اقدامات وسیعی را در نگارش تاریخ مشترک برای این کشورها تدارک دید تا سرمایه فرهنگی لازم را برای سلطه‌ای نمادین در آسیای مرکزی فراهم کند (احمدی ۱۳۸۸: ۶).

ترکیه با ساخت سریال‌های تأثیرگذار تاریخی و انتقال فرهنگ ترکی و عثمانی‌گرایی در چند سال اخیر، فضای فرهنگی و رسانه‌ای این جمهوری‌ها را تحت تأثیر الگوهای فرهنگی خود قرار داده است. در تاجیکستان با سرمایه‌گذاری سفارت ترکیه تأسیس مرکزی به نام «هم‌صدا» را شاهدیم که با امکاناتی فنی مجهز به استودیویی برای دوبله فیلم‌ها و سریال‌های ترکی است تا سرمایه‌های فرهنگی تاجیکستان را تحت تأثیر نمادهای موردنظر خود قرار دهد. ترکیه تا پیش از ظهور اسلام‌گرایان ترک در دولت، برای پشتیبانی از فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی در منطقه به فاصله یک سال پس از استقلال کشورهای منطقه آسیای مرکزی، در سال ۱۹۹۲ با همکاری وزارت خارجه خود مؤسسه «تیکا» را به‌منظور کمک در زمینه‌های اقتصادی، فنی، فرهنگی، و آموزشی به کشورهای ترک‌زبان تأسیس کرد. چاپ کتاب‌های متنوع درباره زبان و ادبیات ترکی و انتشار نشریه‌های پژوهشی و هفته‌نامه‌ها به دو زبان ترکی و انگلیسی از جمله فعالیت‌های فرهنگی این مؤسسه است (محمدی ۱۳۹۱).

با همه برنامه‌هایی که ترکیه در گسترش زبان و فرهنگ ترکی در این منطقه در پیش گرفت، پس از مدتی ازبکستان و ترکمنستان به‌جای پان‌ترکیسم بر ناسیونالیسم ازبکی، ترکمنی، قزاق، و قرقیز تأکید کردند و حتی با زبان و تغییر خط و تاریخ‌نویسی ترکیه برای جهان ترک رویه‌ای مخالف در پیش گرفتند. علاوه بر آن، کشورهای آسیای مرکزی درباره این‌که ترکیه راه ارتباط آن‌ها با غرب باشد روی خوش نشان ندادند و مستقیم با غرب (آمریکا و اروپا) و اسرائیل ارتباط برقرار کردند (احمدی ۱۳۸۸: ۱۱-۱۳). در واقع، دولت جدید ترکیه به رهبری اردوغان با نگاهی ابزاری بر پیوندهای فرهنگی و زبانی خود با دولت‌های آسیای مرکزی تلاش کرد با توجه بیشتر به ارزش‌های دموکراتیک و پارلمانی، اقتصاد بازار، و سکولاریسم منافع اقتصادی و سیاسی خود را تأمین کند (Aras 2009: 67). بر همین اساس، می‌توان گفت که رهبران آسیای مرکزی پس از استقلال از شوروی همواره

درباره هویت و حاکمیت خود در مقابل هویت‌های رقیب نگران بودند و به اقدامات فرهنگی ترکیه در یک پارچه‌سازی هویت ملی و فرهنگی روی خوش نشان ندادند.

۲.۲ سرمایه اجتماعی ترکیه در آسیای مرکزی

از دیگر اقدامات ترکیه و کشورهای ترک‌زبان منطقه تأسیس «کنگره دوستی، برادری و همکاری کشورهای ترکی و اجتماعات ترک» (Friendship, Brotherhood and Cooperation) Congress of Turkish States and Turkish Communities) در سال ۱۹۹۳ بود. در نخستین اجلاس، که سران همه کشورهای ترک‌زبان منطقه و رهبران احزاب سیاسی ترکیه حضور داشتند، بر سرمایه اجتماعی وحدت و هویت مشترک ترکی تأکید شد. به‌منظور گسترش سرمایه اجتماعی ترکیه در آسیای مرکزی، اردوغان در اجلاس سال ۲۰۰۷ در باکو خواستار تشکیل اتحادیه کشورهای ترک‌زبان به‌منزله ابزار نخست هماهنگی در سیاست خارجی آن‌ها شد. در سال ۲۰۰۸ نیز در مجمع بین‌پارلمانی کشورهای ترک‌زبان در استانبول با حضور رؤسای پارلمان‌های آذربایجان، قرقیزستان، قزاقستان، و ترکیه بر اتحاد و پیشرفت منطقه‌ای تأکید شد (احمدی ۱۳۸۸: ۷-۸).

تأکید بر تأثیرگذاری ترکیه، به‌منزله قدرتی منطقه‌ای، از سرمایه‌های اجتماعی ترکیه است. این کشور در دوران حاکمیت کمالیست‌ها همواره خود را قدرتی غربی تصور می‌کرد و به خاورمیانه و آسیای مرکزی توجهی نداشت. از دهه ۱۹۹۰ این رویکرد تغییر کرد و اولویت سیاست خارجی‌اش را بر تقویت قدرت منطقه‌ای بنا نهاد. ترکیه طی یک دهه گذشته در همه مسائل منطقه‌ای اظهارنظر کرده و با بازیگری فعال در صدد تبدیل شدن به ابرقدرت منطقه‌ای و قدرتی جهانی در سیاست بین‌الملل است (ساعی و محمدزاده ۱۳۹۲: ۴۹-۵۰). در سال ۲۰۱۰ وزارت دیپلماسی اجتماعی (Ministry of Social Diplomacy Turkey) ترکیه زیر نظر نخست‌وزیر راه‌اندازی شد. این وزارت‌خانه از مراکز مهم گسترش قدرت نمادین ترکیه است. تمرکز بر کمک‌های انسان‌دوستانه به دیگر کشورها و فراهم کردن آموزش کم‌توانان از اهداف این وزارت‌خانه در کشورهای هدف است. در سال ۲۰۱۱-۲۰۱۲ کمک به توسعه آموزش افراد سال‌مند قزاقستان و راه‌اندازی مدارس، وسایل، و تجهیزات کمک‌آموزشی برای نابینایان مورد توجه این مرکز قرار گرفت. دیپلماسی اجتماعی ترکیه با محوریت تعدادی سازمان خدمات‌رسان در زمینه‌های آموزش کارشناسان، تأمین وسایل کمک آموزشی مدارس، بیمارستان‌ها، و کمک‌های اجتماعی و بشردوستانه در کشورهای هدف از جمله آسیای مرکزی فعالیت می‌کند (گودرزی و معبودی‌نژاد ۱۳۹۵: ۱۴۶-۱۴۹).

ترکیه از طریق برگزاری فستیوال‌ها تلاش می‌کند سرمایه اجتماعی خود را فراتر از مرزهای جغرافیایی گسترش دهد. از سال ۲۰۰۰ آژانس توسعه و همکاری بین‌المللی ترکیه (تیکا) (Turkish International Cooperation and Development Agency/ TIKA) طرح ترک‌شناسی را در ۲۱ کشور به اجرا گذاشت تا زبان ترکیه را در این کشورها گسترش دهد. در سال ۲۰۰۷ به‌منظور ترویج فرهنگ، تاریخ، زبان، و ادبیات ترک مؤسسه یونس امره (Yunus Emer) تأسیس شد. این مؤسسه در همه کشورهای آسیای مرکزی فعالیت می‌کند و وظیفه دارد تا با فعالیتهای فکری و فرهنگی سرمایه اجتماعی ترکیه را در این کشورها افزایش دهد. تأسیس مدارس و دانشگاه‌های ترکی در تاجیکستان، قزاقستان، قرقیزستان، و ترکمنستان اهتمام این کشور به افزایش ارتباط و نفوذ سیاسی و فرهنگی در این منطقه را نشان می‌دهد (گودرزی و معبودی‌نژاد ۱۳۹۵: ۱۴۱-۱۴۴).

۳.۲ سرمایه نمادین ترکیه در آسیای مرکزی

از علل تمایل کشورهای آسیای مرکزی به ترکیه علاقه به استقلال بیش‌تر از روسیه و تنوع‌بخشی به روابط با دیگر قدرت‌های منطقه بود. ترکیه نیز با بهره‌گیری از توان اقتصادی و فرهنگی خود فرصت‌های جدیدی را برای توسعه روابط با آسیای مرکزی فراهم کرد. ترکیه به‌منظور اعمال قدرت نمادین، علاوه بر تأسیس مؤسسات ملی و فرهنگی، به تأسیس مجامع و اتحادیه‌ها با این دولت‌ها مبادرت کرد. آژانس توسعه و همکاری بین‌المللی ترکیه از سال ۱۹۹۲ به‌منزله یکی از ابزارهای سیاست خارجی در گسترش روابط در زمینه‌های توریسم، بهداشت، کشاورزی، آموزش، و صنعت با کشورهای آسیای مرکزی جایگاه ویژه‌ای دارد. در سال ۲۰۱۲ تعداد دفاتر این آژانس به ۳۳ دفتر در سطح منطقه رسید که نشان‌دهنده ابعاد نمادین اعمال قدرت ترکیه است (گودرزی و معبودی‌نژاد ۱۳۹۵: ۱۴۰).

از دیگر اقدامات نمادین ترکیه محکومیت اسرائیل در حمله به کاروان بشردوستانه ترکیه به فلسطین، موسوم به ناوگان آزادی غزه، در سال ۲۰۱۰ بود که در آن واقعه تعدادی از شهروندان ترکیه کشته شدند و اردوغان به شدت اسرائیل را محکوم کرد، سفیر خود را فراخواند، و موجی از اعتراض و محکومیت بین‌المللی را برای اسرائیل ایجاد کرد. دولت اردوغان با به‌چالش کشیدن خط‌مشی سرکوب‌گرانه تل‌آویو علیه فلسطینیان به توسعه همکاری با کشورهای مسلمان توجه ویژه‌ای کرد (قنبرلو ۱۳۹۴: ۲۵۲). این حرکت نمادین از سوی مسلمانان آسیای مرکزی با استقبال زیادی روبه‌رو شد و برای ترکیه نوعی مانور قدرت و احیای سرمایه نمادین در میان مسلمانان منطقه بود.

از نظر برخی پژوهش‌گران، با روی کار آمدن اردوغان و جانشینی عثمانی‌گرایی با پان‌ترکیسم، دولت ترکیه به گسترش قرائت اسلام‌گرایی خود در منطقه توجه ویژه‌ای داشته است و سعی می‌کند با گسترش مناسبات اقتصادی و اجتماعی قدرت خود را در منطقه تثبیت کند. هل معتقد است، به‌رغم گرایش‌های سکولاریستی دولت ترکیه، اقدامات فرهنگی و رسانه‌ای ترکیه سبب گسترش اسلام در آسیای مرکزی شده است (Hale 2003: 293).

روی‌هم‌رفته، ترکیه پس از سال ۲۰۰۲ تلاش کرده با بهره‌گیری از سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی تأثیرگذارترین سرمایه یعنی سرمایه نمادین در آسیای مرکزی را صاحب شود و سلطه نمادین خود را بر این منطقه تثبیت کند و از این رهگذر در سال‌های اخیر به تقویت نمادهای اسلامی در منطقه آسیای مرکزی توجه کرده است. اما در ترسیم آینده آسیای مرکزی، افزون‌بر ترکیه، کنش‌گران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تلاش خواهند کرد که نفوذ همه‌جانبه خود در این منطقه را نهادینه کنند و از شکل‌گیری هویت مشترک و فرایند دولت‌سازی و منطقه‌ای‌شدن به‌دست ترکیه ممانعت کنند. روسیه در کانون این برخورد با بلندپروازی‌های ترک‌ها قرار دارد (کاوالسکی ۱۳۹۵: ۱۸۲) و همان‌طور که طی یک دهه اخیر شاهدیم، علاوه‌بر روسیه، دخالت ترکیه در شکل‌گیری منازعات خاورمیانه سبب کاهش سرمایه نمادین این کشور در آسیای مرکزی شده است.

۳. نتیجه‌گیری

منطقه آسیای مرکزی به‌واسطه پیوستگی‌های جغرافیایی، تاریخی، و فرهنگی با ترکیه به‌شکل بالقوه‌ای تحت‌تأثیر بازیگری این کشور است. هرچند ترکیه با بهره‌گیری از قدرت نمادین به‌دنبال هم‌گرایی منطقه‌ای میان خود و کشورهای آسیای مرکزی است، با ارزیابی تجربه دو دهه اخیر درمی‌یابیم که در روند به‌کارگیری سیاست‌های توسعه‌ای با هریک از این کشورها متفاوت عمل کرده است. در این میان، تاجیکستان و قرقیزستان به‌لحاظ توسعه اقتصادی از بقیه کشورهای منطقه در سطح ضعیف‌تری قرار دارند و به همین دلیل ترکیه به‌جای تأکید انحصاری بر همگرایی منطقه‌ای از طریق همکاری با کشورهای توسعه‌یافته منافع کشورهای همسایه را در نظر نمی‌گیرد. به‌لحاظ فرهنگی نیز به‌رغم آن‌که ترکیه ابتدا به‌دنبال استقرار ناسیونالیسم ترک در کشورهای ترک‌زبان آسیای مرکزی بود، این سیاست نیز با موانعی جدی روبه‌رو شد.

از اواخر دهه ۱۹۹۰ ترکیه تلاش کرد پان‌ترکیسم را جانشین آموزه‌های کمالیسم در این مناطق کند، اما مقاومت کشورهای این منطقه در برابر پان‌ترکیسم سبب شد این سیاست را کنار گذارد و با گفتمان نوعثمانی‌گرایی و اسلام‌گرایی، ضمن کاهش اختلافات با همسایه‌ها، گسترش همکاری‌های اقتصادی، فرهنگی، و اجتماعی را با کشورهای آسیای مرکزی دنبال کند. این رویکرد در مقایسه با گذشته سودمندی و واقع‌گرایی بیش‌تری داشت، اما اقدامات مداخله‌جویانه ترکیه در منطقه خاورمیانه و گسترش بنیادگرایی اسلامی، به سیاست نفوذ همه‌جانبه ترکیه در آسیای مرکزی آسیب‌های جدی وارد کرد. مجموعه اقدامات ترکیه در حمایت از گروه‌های تکفیری و داعش در منطقه خاورمیانه با نگرانی بعضی از دولت‌های آسیای مرکزی روبه‌رو شد و محدودیت‌هایی را بر فعالیت ترکیه در این کشورها ایجاد کرد. با تمام تلاش‌های ترکیه در به‌کارگیری قدرت نمادین در آسیای مرکزی طی دو دهه اخیر، مجموعه اقدامات دولت اردوغان در حمایت از گروه‌های تکفیری در بحران سوریه و عراق، هم‌چنین عضویت تعدادی از شهروندان آسیای مرکزی در این گروه‌های تروریستی، دولت‌های آسیای مرکزی را درباره سیاست‌های نوعثمانی‌گرایی ترکیه نگران کرده است و دولت‌هایی نظیر ازبکستان محدودیت‌هایی را بر سیاست‌های فرهنگی و اقتصادی ترکیه ایجاد کرده‌اند. قدرت نمادین برای این‌که هم‌چنان مورد اقبال قرار گیرد به بازآفرینی و به‌روزرسانی نمادهایی برای ایجاد حقانیت نیاز دارد؛ حقانیتی که براساس سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، و نمادین شکل می‌یابد و نهادینه می‌شود. مسئله‌ای که ترکیه با حمایت از داعش و بنیادگرایی در سال‌های اخیر به آن بی‌توجه بوده است.

بنابراین تجدید حیات ناسیونالیسم روسی و تسلط ستیزه‌جویانه روسیه بر آسیای مرکزی از یک سو و ورود کنش‌گران فرامنطقه‌ای دیگر به آسیای مرکزی و تنوع فرصت‌ها از سوی دیگر سبب شده است که ترکیه در بهره‌گیری از نمادها و قدرت نمادین، به‌منظور سلطه نمادین بر آسیای مرکزی در سال‌های اخیر، با موانع جدی روبه‌رو شود. در نتیجه، نقش ترکیه در آسیای مرکزی به همکاری‌های اقتصادی محدود و منحصر شده است.

کتاب‌نامه

- احمدی، حمید (۱۳۸۸)، «ترکیه، پان‌ترکیسم و آسیای مرکزی»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، س ۲، ش ۵.
اوداینیک، ولودیمیر والتر (۱۳۷۹)، *یونگ و سیاست: اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی کارل گوستاو یونگ*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.

- ایبوا، هلن رز (۱۳۹۵)، جنبش مدنی گولن: تحلیلی جامعه‌شناختی از جنبش منبعث از اسلام میانه‌رو، ترجمه شجاع احمدوند و علی اصغر حیدری، تهران: علم و دانش.
- باتامور، تی. بی. (۱۳۹۲)، *نخبگان و جامعه*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پردیس دانش.
- داود اوغلو، احمد (۱۳۹۱)، *عمق راه‌بردی: موقعیت ترکیه در صحنه بین‌المللی*، ترجمه محمدحسین نوحی‌نژاد ممقانی، تهران: امیرکبیر.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۶)، *صور بنیانی حیات دینی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: مرکز.
- ریترز، جورج (۱۳۸۶)، *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- برژینسکی، زبگنیف (۱۳۹۲)، *چشم‌انداز استراتژیک آمریکا و بحران قدرت جهانی*، ترجمه سعید حاجی ناصری و سیدفریدالدین حسینی، تهران: میزان.
- ساعی، احمد و مرتضی محمدزاده (۱۳۹۲)، «حزب عدالت و توسعه و هژمونی کمالیسم»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ششم، ش ۲.
- شهابی، سهراب (۱۳۷۱)، «مروری بر وضعیت اقتصادی جمهوری‌های آسیای مرکزی»، *فصل‌نامه آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۱، ش ۲.
- صارمی شهاب، اصغر (۱۳۸۸)، «جهانی‌شدن و سیاست خارجی جمهوری ترکیه»، در *دولت و جهانی‌شدن در خاورمیانه*، به‌اهتمام امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- عسگریان، عباسقلی (۱۳۹۴)، «بررسی تحلیلی چالش‌های روند منطقه‌سازی آسیای مرکزی»، *فصل‌نامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، ش ۹۰.
- قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۴)، *مبانی سیاست خارجی تطبیقی: بررسی سه الگوی ایران، ترکیه و چین*، تهران: پژوهشکده مطالعات راه‌بردی.
- قهرمان‌پور، رحمان (۱۳۸۸)، «جهانی‌شدن و تأثیر آن بر رابطه دولت — جامعه در ترکیه»، در *دولت و جهانی‌شدن در خاورمیانه*، به‌اهتمام امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- کوالسکی، امیلیان (۱۳۹۵)، *آسیای مرکزی جدید: تأثیر منطقه‌ای کنش‌گران بین‌المللی*، ترجمه فردین افتخاری، تهران: مخاطب.
- گوهری مقدم، ابوذر و رامین مددلو (۱۳۹۵)، «ریشه‌های عثمانی‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه»، *فصل‌نامه پژوهش‌های راه‌بردی سیاست*، س ۵، ش ۱۷.
- گودرزی، مهناز و فرشته معبودی‌نژاد (۱۳۹۵)، «قدرت نرم ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی»، *فصل‌نامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، ش ۹۳.
- متقی دستنایی، افشین (۱۳۹۵)، «تحلیل ژئوپلیتیکی موانع شکل‌گیری همگرایی در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز»، *فصل‌نامه مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره هشتم، ش ۱.
- محمدی، فاطمه (۱۳۹۱)، *آسیای مرکزی گرفتار در برزخ هویت‌یابی*، مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا.
- نقیب‌زاده، احمد و مجید استوار (۱۳۹۱)، «بوردیو و قدرت نمادین»، *فصل‌نامه سیاست*، دوره ۴۲، ش ۲.

نوریان، عبدالحسن (۱۳۹۳)، «نقش نخبگان سیاسی در رشد و توسعه متوازن جوامع معاصر آسیایی»،
جستارهای سیاسی معاصر، س ۵، ش ۲.
هاکان یاووز، م. (۱۳۹۱)، سکولاریسم و دموکراسی اسلامی در ترکیه، ترجمه احمد عزیزی، تهران:
نشر نی.
های، کالین (۱۳۸۵)، درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نشر نی.

References

- Aras, Bulent (2003), "Turkish Foreign Policy Towards Iran Ideology & Foreign Policy",
Journal of Third World Studies, vol. 18, no. 1.
- Aras, Bulent (2001), *New Geopolitics of Eurasia and Turkey's Position*, London: Routledge
Press.
- Asopa, Sheel K. (2008), *Turkey in Central Asia*, Standard Publishers.
- Bourdieu, Pierre and Loic J. D. Wacquant (1992), *An Invitation to Reflexive Sociology*, The
University of Chicago Press.
- Hale, William (2003), *Turkish Foreign Policy: 1774-2000*, London: Frank Cass.
- Ministry of Trade (2018), *Republic of Turkey*: <www.trade.gov.tr>.
- "Republic of Turkey, Ministry of Economy" (2012): <<https://www.economy.gov.tr>>.
- Republic of Turkey, Ministry of Foreign Affairs (2017): <<http://www.mfa.gov.tr/turkeys-energy-strategy.en.mfa>>.
- Republic of Turkey, Ministry of Trade, Economic Outlook (2018): <www.ticaret.gov.ir>.
- World Bank (2018): <[www.worldbank.org/en/country/turkey/GDP Growth](http://www.worldbank.org/en/country/turkey/GDP%20Growth)>.